

## علوم قرآنی در التفسیر الاثری الجامع

(بررسی و نقد آخرین نظریات آیت الله معرفت(ره) در مورد برخی از مباحث علوم قرآنی)

سیدابوالقاسم موسوی<sup>۱</sup>، علی اسدی اصل<sup>۲</sup>، سیدمحمد حسینی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد.

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر قرآن مجید دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مشهد.

### چکیده

علوم قرآنی که مبانی شناخت قرآن را در اختیار مفسر قرار می‌دهد و ابزاری برای فهم بهتر آیات می‌باشد، از دیرباز مورد توجه مفسران بوده است. علامه معرفت(ره) از قرآن پژوهان معاصر، در آخرین اثر خود بنام «التفسیر الاثری الجامع» که شامل شش جلد و تا آخر سوره بقره و به قلم توانای ایشان می‌باشد، در مقدمه و همچنین در خلال مباحث تفسیری، برخی از مباحث علوم قرآنی از جمله اعجاز، نسخ، اسباب نزول و ... را مورد دقت و کنکاش قرار داده‌اند. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و همچنین گردآوری و تحلیل و تبیین این مباحث، کوشیده است جایگاه هر یک از این دانش‌ها را در فهم و درک آیات و سوره-های قرآن، واکاوی و ارائه کند. در بررسی تفسیر اثری جامع، این نتیجه حاصل شده است که علامه معرفت(ره) در این تفسیر منکر وجود هرگونه نسخ شده و آنرا مردود اعلام می‌کند، همچنین نظریات و مطالب جدیدی در بحث اسباب نزول، حروف مقطعه، مکی و مدنی، قرائات و اعجاز را مطرح می‌کند؛ بحث تحدی قرآن و مراحل آن، از جمله مطالب جدیدی است که علامه معرفت(ره) به آن اشاره می‌کند.

واژه‌های کلیدی: علامه معرفت، التفسیر الاثری الجامع، علوم قرآنی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

علوم قرآنی به تمام دانش‌هایی اطلاق می‌شود که در خدمت فهم بهتر قرآن قرار می‌گیرد و شاخص آن علمی نظیر، شان نزول، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مکی و مدنی، اعجاز و ... می‌باشد. امروزه در این حوزه گسترده می‌توان از مباحث جدیدی چون قصه در قرآن، زبان قرآن و تاثیر مباحث هرمنوتیکی در تفسیر به‌عنوان دانش‌های پیرامون در علوم قرآنی سخن به میان آورد. (ر.ک: مهدوی راد، ۱۳۸۹، صص ۸-۱۲) قرآن‌پژوهان و مفسران به سهم خود چه در آثاری مستقل و چه در لابه‌لای تفاسیر خویش به این مهم پرداخته و گام‌های استواری را در راه فهم بهتر قرآن برداشته‌اند.

آیت‌الله معرفت(ره) از علمایی هستند که به صورت فراگیر در موضوعات قرآنی قلم‌فرسایی کرده‌اند و صاحب نظرات فراوانی در تفسیر و علوم قرآنی می‌باشند. ایشان علوم قرآنی را به مسائلی که پیرامون ابعاد گوناگون قرآن کریم مطرح شده است، تعبیر نموده و می‌افزاید: «هر مسئله‌ای، موضوعی از موضوعات قرآن را به بحث می‌نهد که با موضوع مسئله‌ی دیگر، تفاوت دارد. بنابراین، مسائل یاد شده درباره‌ی موضوعات مختلف و گوناگونی است و هر مسئله‌ای، موضوع ویژه‌ی خود را دارد و جز در محور اصلی یعنی قرآن کریم، ارتباطی با سایر مسائل ندارد. از این روی، مسائل قرآن، تشکیل دهنده‌ی چند علم است و نه صرفاً یک علم و در یک موضوع.» (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۱)

علامه معرفت(ره) در طی دوران پر برکت زندگی خود، آثار گوناگونی را تألیفات کردند، من جمله، کتاب گران سنگ التمهید، در علوم قرآنی و التفسیر الاثری الجامع، در تفسیر قرآن و مقالات متعدد و مصاحبه‌های گوناگون در خصوص مباحث متنوع قرآنی و دینی.

## ۱) ضرورت شناخت علوم قرآن و مهم‌ترین فواید آن

هرچند هدف و مقصد نهایی در قرآن‌پژوهی، شناخت معارف والای قرآن است، اما بدون تحقیق و بررسی مسائل دانش علوم قرآن، حداقل در برخی زمینه‌ها، تفسیر قرآن و دستیابی به آموزه‌های آن بر پایه‌ی استوار بنا نخواهد شد. مثلاً اثبات اینکه قرآن کتابی الهی است به مباحث علوم قرآن وابسته است و بدون آن، اصل الهی بودن قرآن به اثبات نخواهد رسید. بنابراین پرداختن به علوم قرآنی پیش از تفسیر آیات، امری ضروری است. برای مثال، یکی از بحث‌های مهم درباره‌ی قرآن، اثبات خدایی بودن آن است؛ چیزی که از همان آغاز مورد شک و تردید برخی واقع شده بود و مشرکان و معاندان زیر بار آن نمی‌رفتند. این مسئله در مبحث «اعجاز قرآن» به تفصیل بررسی و اثبات می‌شود؛ به این بیان که وجوه اعجاز قرآن، ناتوانی بشر از آوردن سوره‌ای همچون قرآن را آشکار می‌کند و ثابت می‌شود که قرآن ساخته و پرداخته‌ی دست بشر نیست، بلکه کلام جاودانه‌ی خدای قادر و علیم است. بنابراین در علوم قرآن بدین مطلب رهنمون می‌شویم که قرآن از سوی خداست و این امر یکی از مهم‌ترین ادله برای ضرورت پرداختن به مباحث علوم قرآن است؛ چراکه بدون آن، اصل خدایی بودن قرآن اثبات نمی‌شود تا بخواهیم درصدد فهم معارف آن به عنوان معارفی وحیانی برآییم.

علامه معرفت(ره) در ضرورت شناخت علوم قرآن و مهم‌ترین فواید آن، به نقش بنیادین این علوم در امکان بهره‌گیری از قرآن کریم اشاره کرده و می‌افزاید: «در مورد اهمیت علوم قرآن (مباحث مختلف پیرامون قرآن) همین بس که بدانی توانایی دست-یابی به حقایق معانی قرآن را، جز از مسیر این مباحث نخواهی داشت و دانش‌های یاد شده، مبادی و مقدماتی برای امکان رسیدن به هدف مورد نظر است.» (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۲)

## ۲) رابطه علوم قرآن و علم تفسیر

در بحث گذشته به ضرورت علوم قرآن و فواید آن و همچنین رابطه علوم قرآن و علم تفسیر اشاره کردیم. علم تفسیر متکفل بیان معانی آیات و مقاصد خداوند است، و مفسر در پی تفسیر کلام خداوند. پس باید قبل از ورود به تفسیر قرآن یک سلسله مبانی را تنقیح و اتخاذ کند. برخی از این مبانی تفسیری در مباحث علوم قرآنی شکل و سامان می‌گیرد که

مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: خدایی بودن قرآن، اصالت متن قرآن، امکان فهم قرآن، و جواز فهم قرآن. همچنین برای آنکه قرآن را تفسیر کنیم، باید قرائت صحیح آن را در موارد اختلاف قرائت تشخیص دهیم، و معیار قرائت صحیح از غیر آن در علوم قرآن معین می‌گردد. علاوه بر مبانی و تشخیص قرائت صحیح، اصول و قواعد تفسیر قرآن نیز در علوم قرآن بررسی می‌شود و بدون دستیابی به آنها، فهم روشمند قرآن میسر نخواهد شد و احتمال گرفتار آمدن در دام تفسیرهای نادرست بسیار زیاد است. نیز بدون شناخت برخی از مباحث علوم قرآن همچون ناسخ و منسوخ، فهم صحیح تمام قرآن میسر نخواهد بود و مفسر در مواردی سرگردان خواهد شد. در بیانات امامان معصوم (علیهم السلام) نیز لزوم شناخت برخی مباحث علوم قرآن برای تفسیر صحیح قرآن، مورد تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به یکی از قاضیان کوفه فرمود: «آیا ناسخ و منسوخ را می‌شناسی و می‌توانی آن دو را از هم بازشناسی؟» وی جواب داد: نه، حضرت فرمود: «خود هلاک شدی و دیگران را نیز هلاک ساختی.» (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۵۸؛ عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۲) بنابراین تفسیر صحیح قرآن و در مواردی امکان اصل تفسیر قرآن، بر نتایج مباحث علوم قرآن مترتب است. از همین روی، برخی از اندیشمندان علوم قرآن، آن را بسان کلیدی برای تفسیر دانسته‌اند. (زرقانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱)

علامه معرفت (ره) در مورد رابطه‌ی علوم قرآن و علم تفسیر، علوم قرآنی را به مسائلی که پیرامون ابعاد گوناگون قرآن کریم مطرح شده است، تعبیر نموده و نیز به نقش بنیادین این علوم در امکان بهره‌گیری از قرآن کریم اشاره کرده و نظرشان این است علوم قرآنی بر مطالعه محتوای درونی آیات و به عبارت دیگر «تفسیر قرآن» مقدم است. (معرفت، ۱۳۹۰، ص ۱۰)

### ۳) زیست نامه

علامه محمدهادی معرفت (ره) در سال ۱۳۴۹ هجری در خانواده‌ای روحانی در کربلا دیده به جهان گشود. ایشان تحصیلات خود را در زمینه‌های ادبیات، منطق، اصول، فقه و فلسفه در حوزه‌های علمیه کربلا و نجف و قم نزد اساتید و فقها و مجتهدانی عالی‌قدر همچون آیت‌الله نائینی (ره)، آیت‌الله شیخ هادی تهرانی (ره)، آیت‌الله سید محسن حکیم (ره)، آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی (ره) و امام خمینی (ره) فراگرفت. (ایازی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۳۸۴ و ۳۸۵)

علامه معرفت (ره) در کنار تحصیل، به تحقیق و تألیف پرداخته و آثار فراوانی در زمینه علوم قرآنی از جمله التمهید فی علوم القرآن، تنزیه الانبیاء، تناسب الآیات، تاریخ القرآن، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، اهل البيت و القرآن الکریم، صیانه القرآن من التحریف و التفسیر الاثری الجامع را از خود به یادگار گذاشت. (ایازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۸۶)

ایشان پس از یک عمر تلاش و مجاهدت علمی، در سال ۱۴۲۷ هجری دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت.

### ۴) التفسیر الاثری الجامع

آخرین تألیف ارزشمند علامه معرفت (ره)، التفسیر الاثری الجامع می‌باشد که از ابتدای قرآن تا انتهای سوره بقره در شش جلد به قلم توانای ایشان به نگارش درآمده است. جلد اول آن شامل مقدمه و تفسیر سوره حمد و پنج مجلد دیگر شامل تفسیر سوره بقره می‌باشد. هرچند که علامه معرفت (ره) در این تفسیر در برخی موارد به تفسیر موضوعی آیات پرداخته، اما قالب اصلی این تفسیر به صورت ترتیبی از سوره حمد آغاز شده است.

ایشان در جلد اول و قبل از تفسیر سوره حمد، مقدمه‌ای در حدود ۲۴۰ صفحه آورده است که می‌توان آن را خلاصه‌ای از برخی مباحث موجود در دیگر تألیفات ایشان در زمینه علوم قرآنی مانند فضایل قرآن، حروف مقطعه، زبان قرآن و دیگر موارد دانست.

علامه معرفت(ره) در بیان انگیزه و هدف خویش از تألیف این اثر می‌گوید: «روایات تفسیری، جملگی به صورت خام در کتاب‌ها عرضه شده است و کاری که فقها بر روی روایات فقهی انجام می‌دهند، بر روی روایات تفسیری انجام نگرفته و لذا سلیم و سقیم به هم آمیخته است. برای جداسازی و تعیین سرنوشت نخبه تفاسیر روایی با همت دوستان فاضل خویش به این کار خطیر اقدام نمودم.» (معرفت، ۱۳۸۵ج، ص ۱۰) همچنین علامه در مدخل تفسیر اثری نیز به همین مطلب اشاره نموده است. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۶)

### ۵) علوم قرآنی در التفسیر الاثری الجامع

علامه معرفت(ره) علاوه بر دیگر آثارش از جمله التمهید فی علوم القرآن و علوم قرآنی، در تفسیر اثری جامع نیز در خلال مباحث تفسیری به دیگر دانش‌های علوم قرآنی پرداخته است؛ البته برخی از این موارد (مانند اعجاز و تحدی) در تکمیل نظراتش و برخی نیز (مانند ناسخ و منسوخ) غیر از آن‌ها و در ردشان می‌باشد. که این نوشتار با گردآوری و تحلیل و تبیین آنها کوشیده است که جایگاه هر یک از این دانش‌ها را در فهم و درک آیات و سوره‌های قرآن، واکاوی و ارائه کند.

#### ۵-۱) ناسخ و منسوخ

یکی از مهم‌ترین انواع علوم قرآنی که از دیرباز مورد توجه مفسران و قرآن‌پژوهان و اصولیان قرار گرفته، موضوع ناسخ و منسوخ در قرآن است. «نسخ عبارت است از رفع امر ثابتی در شریعت به جهت ارتفاع مدت آن امر، خواه از احکام تکلیفی باشد و خواه از احکام وضعی و چه از مناصب الهی باشد و چه غیر از آن، از اموری که به خداوند به‌عنوان شارع برمی‌گردد.» (خویی، بی‌تا، ص ۲۷۶)

علامه معرفت (ره) در التفسیر الاثری الجامع، منکر وجود نسخ در قرآن شده و آن را مردود و بی‌فایده دانسته است. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۰۴) ایشان عمده‌ترین دلیل انکار نسخ را وجود اختلاف و تضاد بین آیات قرآن می‌داند و معتقد است با توجه به فرموده خداوند متعال: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (نساء/۸۲)، قرآن عدم اختلاف در میان گفته‌هایش را دلیل بر وحیانی بودن خود دانسته، در صورتی که اولین شرط قول به نسخ، وجود تنافی میان دو آیه ناسخ و منسوخ است که از وجود این تنافر و تضاد، به ثبوت نسخ پی برده می‌شود و اگر میان دو آیه برخوردی نباشد، ضرورتی ندارد که به نسخ قائل شویم. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۰۴)

علامه معرفت(ره) همچنین می‌گوید: «استاد بزرگوار آیت‌الله خویی(ره) تمامی آیاتی را که پیشینیان گمان نسخ برده‌اند، به دلیل عدم تنافی میان آن‌ها، مورد مناقشه قرار داده و هر دو آیه ناسخ و منسوخ را از محکمت شمرده است. حکم هر دو آیه ثابت و همچنان نافذ هست.» (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۰۴)

ایشان موارد ناسخ و منسوخ را که مفسران بیان کرده‌اند، ذکر کرده و رد نموده است، به‌عنوان نمونه: عدم وجود نسخ در آیات نجوا (مجادله/۱۲ و ۱۳) را چنین بیان می‌کند: «در آیه نجوا که ابتدا دستور داده شد تا پیش از هر پرسش از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) صدقه بدهند، سپس از این دستور صرف نظر گردید، برخی گمان نسخ برده‌اند. در صورتی که این نیز صحنه بود برای تربیت مسلمانان در عهد اول که بی‌جهت مزاحم اوقات حضرت نگردند. مسلمانان با روبرو شدن با این صحنه، پیام آن را گرفتند و این پیام برای همیشه پابرجاست تا مراجعه به سران مسئول تنها در مسائل کلان و ارزشمند کشوری - دینی بوده باشد، نه در مسائل ریز و کم ارزش.» (معرفت، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳)

همچنین علامه(ره) ذیل آیه ۲۴۰ سوره بقره نیز پس از اشاره به اینکه برخی گمان نسخ آن را برده‌اند، آن را رد کرده و نظرات مختلف پیرامون آن را بازگو نموده و در انتها نیز دیدگاه خود را بیان می‌دارد: «چیزی که در نظر بهتر و مرجح‌تر و موافق ظاهر تعبیر قرآن است، سخن مجاهد است که می‌گوید: این سفارش و توصیه‌ای از خداوند است در مورد زنانی که شوهرانشان فوت

می‌کنند، اینکه حق استفاده از منزل وی را تا مدت یک سال دارند(اضافه بر عده‌ی آنها که چهارماه و ده روز است)، لذا اگر آن زن بخواهد می‌تواند بماند و از منزل استفاده کند یا اینکه این کار را انجام ندهد»(معرفت، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۶۳) علامه(ره) در ادامه وجوه مردود بودن نظریه نسخ در این مورد را بیان کرده و می‌گوید: «قول به نسخ در اینجا از چند جنبه مردود است: خلاف ظاهر تعبیر است، خلاف اعتبار عقلانی در تشریح احکام است، خلاف اصول نسخ است و ضرورتی بر وجود تقدیر در کلام وجود ندارد»(معرفت، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۶۴) همچنین ذیل آیه ۱۹۰ سوره بقره نیز سخن شیخ طبرسی (ره) مبنی بر ناسخ بودن آیه را می‌آورد و سپس آن را رد کرده و می‌گوید: «میان نسخ در معنای اصطلاحی و لغوی تفاوت وجود دارد، چراکه معنای اصطلاحی نسخ، ابطال حکم سابق و شروع حکم جدید می‌باشد اما معنای لغوی آن، مطلق تغییر در حکم سابق بوسیله تقیید یا تخصیص می‌باشد، و از آن جمله، تدریج در تشریح احکام از خفیف به شدید تا کامل شدن آن [حکم] است.» (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۱۰)

### ۵-۱-۱) نقد و بررسی

نظریه نسخ، یکی از مباحث مهم علوم قرآنی است که همواره با محوریت رد و یا پذیرش آن در میان مفسران و پژوهشگران مورد بحث بوده است. اکثر آنان درباره وجود نسخ آیات در قرآن گرایش نشان داده ولی در مورد تعداد آن اختلاف داشته اند. از طرف دیگر، عده ای به عدم وجود نسخ آیات در قرآن اعتقاد دارند. از بین افراد متأخر که در زمینه نسخ، نظرات مخالف و متفاوتی داشته و از نظر اولیه خود عدول نموده، علامه معرفت(ره) است. ایشان در ابتدا ضمن رد نسخ در قرآن، حتی نسخ در آیه نجوی را نیز قبول نمی‌کنند و نسخ تمهیدی، که به گفته‌ی خودشان از ابداعات ایشان در بحث نسخ است، را بیان می‌نمایند. ایشان در بیان نسخ تمهیدی، آن را تدریجی خوانده و موافقت ابتدایی دین با امر مغایر آن را موقتاً جایز می‌دانند. همچنین حکم آیه نجوی را حکومتی دانسته و نسخ آن را نپذیرفته‌اند.

آنچه از سخنان علامه معرفت(ره) در خصوص نسخ در موارد مختلف بیان گردیده است به صورت نسبی قابل پذیرش است و در بعضی موارد مثل آیه نجوی که ایشان نسخ در آن را رد کرده‌اند قابل پذیرش نیست. ایشان به گونه‌ای از نسخ به نام نسخ تمهیدی، اشاره کرده‌اند که جزء نظریات منحصر به خود ایشان است که اسلام برای از بین بردن پلیدی، ابتدا در انجام آن رخصت می‌دهد و بعد تدریجاً آن را حذف می‌کند. که این موضوع با روح اسلام در تضاد است و اسلام هیچ گاه به پلیدی، حتی به اندازه لحظه‌ای رخصت نمی‌دهد و آن را تأیید نمی‌کند. ولیکن از سر اجبار آن را تحمل می‌کند و تدریجاً اقدام به منع آن می‌کند که این قابل قبول است ولیکن در مورد مثال‌هایی که آورده‌اند و در تعریف خود به عنوان شاهد بیان داشته‌اند محل اشکال است و اصل تعریف را مورد اشکال قرار می‌دهد.

در نتیجه باید گفت که نسخ در آیه نجوی، پذیرفتنی است و قابل انکار نیست و نیز حرکات جامعه و مردم چه در گذشته و چه در حال، اشتراک دارد و بر موضوع نسخ، صحه می‌گذارد ولیکن هر نوع موضوعی، مبین نسخ و در دایره آن نیست.

### ۵-۲) اسباب نزول

گزارش‌های تاریخی و تاریخ قرآن، به روشنی گویای آن است که قرآن دارای نزولی تدریجی بوده که در پی حوادثی، آیه یا آیاتی و احیاناً یک سوره کامل نازل شده است. از این رو، آگاهی از سبب نزول یا شأن نزول آیات قرآن، در فهم صحیح معنا و تفسیر قرآن کاملاً دخیل است.

این شاخه از علوم قرآنی از همان ابتدا مورد توجه و اهتمام مفسران بوده است. کتاب علی بن عبدالله مدینی با عنوان اسباب نزول، اولین کتابی است که در این زمینه به نگارش در آمده است و کتاب اسباب النزول واحدی نیشابوری نیز از معروفترین

نوشته‌ها در این موضوع می‌باشد. (رامیار، ۱۳۷۹، ص ۶۲۵) از جمله مسائل علوم قرآنی که در التفسیر الاثری الجامع مورد توجه علامه معرفت(ره) قرار گرفته است، اسباب نزول می‌باشد.

علامه معرفت(ره) در مقدمه التفسیر الاثری الجامع مبحثی در باب روایات اسباب نزول بیان نموده است. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۱۷۶-۱۸۰) و در کتاب التفسیر و المفسرون نیز ذیل معرفی تفسیر ابن عباس، اشاراتی به این موضوع دارد؛ ایشان در بیان اهمیت و جایگاه اسباب نزول می‌گوید: «اسباب النزول نقش بسیار مهمی برای رسیدن به مفاهیم قرآن دارد؛ زیرا آیات و سوره‌های قرآن به تدریج و در فواصل زمانی مختلف و مناسبت‌های گوناگون نازل گردیده است. از این رو آیه‌ای که در مناسبتی خاص و برای حل مشکلی خاص نازل گردد، با آن حادثه ارتباطی تنگاتنگ دارد، به گونه‌ای که اگر شناخت آن مناسبت میسر نگردد، فهم هدف اساسی آیه نیز ممکن نخواهد بود. لذا کسی که به بررسی مفاهیم قرآن همت می‌گمارد، قبل از هر چیز باید شأن نزول آیه را بداند، البته اگر شأن نزولی داشته باشد.» (معرفت، ۱۳۸۵ الف، ج ۱، ص ۲۳۰)

### ۵-۲-۱) نقد و بررسی

علامه معرفت(ره) در منابع اسباب نزول، نگاهی ویژه و منحصر به خود دارد. ایشان منابع را بدون دقت و اجتهاد رد یا قبول نمی‌کند حتی اگر از مذاهب دیگر نقل شده باشد. همچنین اگر ایشان منبعی را تأیید می‌کند به این معنا نیست که همه روایات آن مورد تایید وی است و اگر نقد می‌کند به معنای عدم وجود روایت صحیح در آن نمی‌باشد، ایشان با ملاک‌های اصولی و اساسی مبتنی بر شیوه اجتهادی، که دارد، به تحلیل و بررسی منابع اسباب نزول می‌پردازد. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۸) و (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۴۶ و ۲۴۸) و (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۹)

علامه معرفت(ره) اعتبار روایات شان نزول را به حضور ناقل در محل منوط نمی‌کند (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۴) ایشان معتقد است که علم قطعی ناقل به سبب نزول کافی است و حضور او در حادثه شرط نمی‌باشد. زیرا حضور ناقل با فرض قاطع بودن، عادل بودن و صادق بودن در گفتار خود، شرط نیست و صرفاً وثاقت و درستی و مورد اعتماد بودن او مورد نظر است. لذا ایشان، با اتخاذ این مبنا، در صدد تصحیح روایات سبب نزولی بر آمده است که از ائمه (علیهم السلام) نقل شده است و هیچ یک بجز امیرمؤمنان (علیه السلام) در متن حوادثی که به نزول آیه منجر شده است حضور نداشته‌اند، اما اسباب نزول را بیان کرده‌اند و بیان آنان برای ما قطع آور است (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۵) البته این روایات در صورتی معتبر خواهند بود که سند آنها تا معصوم (علیه السلام) متواتر و یا صحیح و معتبر باشد. (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۶۱)

### ۵-۳) حروف مقطعه

در ابتدای ۲۹ سوره قرآن، یک یا چند حرف از حروف الفبا آمده است که در مجموع تعداد آنها به ۷۸ حرف می‌رسد که با حذف مکررات آنها، ۱۴ حرف باقی می‌ماند؛ یعنی نصف ۲۸ حرف. این حروف که در اوایل سوره‌ها واقع شده است را حروف مقطعه می‌گویند و از آنها به عنوان فواتح سور یاد می‌کنند. این حروف در برخی از سوره‌ها، آیه مستقل به شمار می‌روند و در برخی دیگر، جزء آیه نخست می‌باشند. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۱۸۱-۱۸۳) علامه معرفت(ره) بخشی از مقدمه التفسیر الاثری الجامع را به حروف مقطعه اختصاص داده است و در ابتدای سوره بقره برای تفسیر حروف (الم) به مقدمه تفسیر ارجاع داده است.

آراء و دیدگاه‌ها درباره حروف مقطعه مختلف است که بنا بر آنچه علامه معرفت(ره) از تفسیر فخر رازی نقل می‌کند، به بیش از ۲۰ قول می‌رسد. همه این اقوال به سه مبنای کلی برمی‌گردد:

الف) حروف مقطعه از متشابهات قرآن است که هرگز قابل حل نبوده و از جمله مجهولات مطلق است.

ب) این حروف رموزی است بین خدا و رسول، که جز اولیای مقرب الهی کسی به آن آگاهی ندارد.

ج) این حروف فقط حروف مجرده هستند با همان خاصیت آوایی که دارند. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۱۸۵-۱۸۹)

### ۵-۳-۱) نقد و بررسی

علامه معرفت(ره) در ادامه رای مورد نظر خود را بیان کرده و می‌گوید: «رای مختار همان اشارات رمزی است. یعنی این حروف مشتمل بر اسراری است که میان خدا و رسول بوده و امنای وحی بر آن آگاه‌اند و اگر امکان داشت دیگران از آن آگاهی یابند، از آغاز به صورت رمز در نمی‌آمد. ... این حروف یکی از موارد معجزه‌آسای قرآن به شمار می‌آید که اسرار بزرگی را برای همیشه دربر خواهد داشت.» (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹۲) ایشان همچنین می‌گویند: «تعلبی گفته بسیاری از گذشتگان اعتقاد دارند که این حروف از متشابهات می‌باشند، و ما به نزول آنها ایمان آورده و تاویل آنها را به خداوند وا می‌گذاریم.» (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹۲)

علامه در انتها به نقل روایاتی در فضیلت قرائت حروف مقطعه اکتفا نموده و آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار نداده است. از جمله این روایات می‌توان به روایت قتاده اشاره کرد که می‌گوید: «حروف مقطعه، اسامی قرآن است.» (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۱۹۲-۲۱۸)

### ۵-۴) مکی و مدنی

مکی و مدنی از انواع مهم علوم قرآنی به شمار می‌آید. قرآن پژوهان برای شناسایی نوع آیات و سوره مکی و مدنی ملاک‌هایی در نظر گرفته‌اند. به علاوه، بر شناخت این نوع آیات فوایدی نیز مترتب است.

علامه معرفت(ره) شناخت سوره‌های مکی از مدنی را به دلایل ذیل، ضروری و فایده‌هایی را بر آن مترتب می‌داند:

۱. شناخت تاریخ و تسلسل آیات و سوره و تدریجی بودن نزول آن‌ها.

۲. تاثیر در فهم محتوای آیه در استدلال فقهی و استنباط حکم شرعی.

۳. درست بودن استدلال به آیات مدنی در مسائل کلامی به ویژه مبحث امامت.

۴. حل بسیاری از مسائل قرآنی. (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۶۷-۷۰)

### ۵-۴-۱) معیار شناخت سوره‌های مدنی از سوره‌های مکی

بنا بر آماري که از روایات ترتیب نزول و دیگر روایات به دست می‌آید، ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی هستند. علامه معرفت(ره) در تفسیر اثری جامع به سه معیار زمانی، مکانی و خطابی در تشخیص سوره‌های مکی و مدنی اشاره نموده است. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۱۳) ایشان در ادامه می‌گویند: «ملاک‌هایی که برای تشخیص سوره‌های مکی و مدنی گفته شده است، به تنهایی کافی نیست و نمی‌تواند جامع و مانع باشد، بلکه این ملاک‌ها روی هم رفته تا حدودی تعیین کننده است و باید از نقل‌هایی صحیح نیز که در این زمینه رسیده است در تشخیص مکی و مدنی سوره بهره برد.» (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۹۹)

## ۵-۴-۲) نقد و بررسی

ایشان در التفسیر الاثری الجامع نیز ذیل آیه ۲۱ سوره بقره این مبحث را به‌طور اجمال مورد بررسی قرار داده و ذیل معیار خطابی، روایاتی که خطاب (یا ایها الناس) را مختص آیات و سور مکی و خطاب (یا ایها الذین ءامنوا) را مختص آیات و سور مدنی می‌دانند را رد کرده و نمونه‌های آیات و سور مدنی که در آنها خطاب (یا ایها الناس) آمده را در ردّ این روایات و نظریه آورده است. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۱۳) همچنین قرارگرفتن آیه‌ای مکی در سوره‌ای مدنی را ردّ کرده و می‌گوید که دلیلی بر این نظر به‌جز حدس و گمان وجود ندارد. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۱۴)

## ۵-۵) قرائات

یکی از مباحث مهم قرآن پژوهی که هم صبغه علمی دارد و هم جنبه عملی، بحث قرائات قرآن است که از دیرباز در کانون توجه دانشمندان علوم قرآن و مفسران بوده است؛ بدین ترتیب که در اختیار داشتن قرائت ابلاغ شده از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از جمله پیش نیازهای تفسیر قرآن است که این قرائت اکنون در میان قرائت‌های مختلف پنهان است و به همین جهت برای بازیابی آن‌ها باید به قرائت‌های مختلف دقت کرد و با توجه به آن‌ها قرآن را تفسیر نمود.

علامه معرفت (ره) در ذیل مباحث مقدماتی مربوط به سوره حمد، مبحث جداگانه‌ای را به قرائت برخی آیات این سوره با عنوان (قرائت در روایت پیشینیان) اختصاص داده است و در آن زمینه به‌صورت گسترده به نقل روایات پرداخته است و برخی از آن‌ها را مورد مناقشه قرار داده است. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۲۷۱-۲۸۷) به‌عنوان مثال در ذیل آیه (مالک یوم الدین)، قرائت‌های مختلف (مالک یوم الدین) که قرائت جمهور مسلمانان است را صحیح می‌داند و قرائت (ملک یوم الدین) را بدون اعتبار و از اختراعات مروان معرفی می‌کند. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۲۸۰ و ۲۸۱) همچنین در قرائت (اهدنا الصراط المستقیم)، صراط را با (صاد) صحیح می‌داند که مطابق قرائت حفص از عاصم و مستند به امام امیرالمؤمنین [علی] علیه‌السلام می‌باشد. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۸۴) همچنین در سوره بقره در موارد بسیار اندک، قرائت آیه در ضمن روایتی ذکر شده است. مثلاً ذیل آیه (فلا جناح علیه ان یطوف بهما) (بقره/۱۵۸)، روایتی از ابن عباس، ابن مسعود و مجاهد آورده که این آیه را به‌صورت (فلا جناح علیه ان لا یطوف بهما) قرائت کرده‌اند و نیز از قرطبی نقل می‌کند که این قرائت برخلاف آنچه در مصحف است نوشته شده، چراکه آن‌چه در مصحف ثبت شده باشد با قرائتی که صحت آن مشخص نیست ترک نمی‌شود. همچنین عطاء روایات زیادی که از ابن عباس نشنیده است را به‌صورت مرسل نقل کرده است. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۴، صص ۳۰۶ و ۳۰۷)

لازم به ذکر است که توجه علامه (ره) در بخش قرائات بیشتر به قرائات سلف (پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه و تابعان) می‌باشد.

## ۵-۶) اعجاز قرآن

اعجاز از ریشه «عجز» (ناتوانی) به معنای ناتوان ساختن می‌باشد. ناتوان ساختن بر دوگونه است: یکی آن که توانایی کسی قهراً از وی سلب شود و او به عجز در آید؛ مثلاً اگر شخصی قدرت مالی یا مقامی دارد، آن مال یا مقام از او با زور گرفته شود و او به خاک مذلت بنشیند. دیگر آن که کاری انجام گیرد که دیگران از انجام و یا هم‌آوردی با آن عاجز باشند، بدون آن که درباره آنان هیچ‌گونه اقدام منفی به عمل آمده باشد؛ مثلاً ممکن است کسی در کسب کمالات روحی و معنوی به اندازه‌ای پیش‌رفت کند که دست دیگران بدو نرسد و از روی عجز دست فرو نهند. در مثل گویند: «فلانی زبان دشمنان خود را بند آورد»؛ مقصود آن است که آن اندازه آراسته به کمالات گردیده و کاستی‌ها را از خود دور ساخته که جایی برای رخنه عیب‌جویان باقی نگذارد. است. اعجاز قرآن از نوع دوم است؛ یعنی در بلاغت، فصاحت، استواری گفتار، رسابودن بیان، نوآوری‌های فراوان در زمینه معارف و احکام و دیگر ویژگی‌ها، آن اندازه اوج گرفته که دور از دسترس بشریت قرار گرفته است. از این جهت قرآن را «معجزه خالده»:



معجزه جاوید» گویند. این حالت برای قرآن، همیشگی و ثابت است؛ چرا که این کتاب بزرگ‌قدر، سند شریعت جاوید اسلام است. (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۳۴۲ و ۳۴۳)

### ۵-۶-۱) تحدی قرآن

تحدی به معنای هم‌آورد خواستن است. قرآن مکرراً ناباوران را به مبارزه و هم‌آوردی خوانده، گوید: «اگر باور ندارید که این قرآن سخن خدا باشد و گمان می‌برید ساخته و پرداخته دست بشر است، هر آینه آزمایش آن آسان است، سخن‌دانان و سخن‌وران خود را وادارید تا در این راستا نیروی خود را به کار گیرند و سخنی هم‌چون قرآن، زیبا و شیوا، محکم و استوار، و حکمت‌وار، بسازند و ارائه دهند؛ ولی هرگز چنین اقدامی نتوانید کرد، زیرا به‌خوبی می‌دانید که قرآن همانند سخن بشر نیست...» (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۶۷)

علامه معرفت (ره) معرفت، ذیل آیه ۲۳ سوره بقره بابی تحت عنوان «حدیث التحدی» آورده است و درباره تحدی، اعجاز و وجوه اعجاز مطالبی را بیان نموده است.

مطلب جدیدی که وی در این تفسیر در باب اعجاز بیان می‌کند، در بحث تحدی است. قرآن در چند مرحله، تحدی و هم‌آورد خواستن خود را مطرح کرده است. علامه معرفت (ره) این مراحل را از اشدّ به اخفّ می‌داند (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۹۰) یعنی در ابتدا به سخنی همانند قرآن (حدود ۴۵ سوره که تا آن زمان نازل شده بود)، سپس به ده سوره و در نهایت به یک سوره تحدی شده است. اما چنانچه به آیات تحدی از نظر سیر نزولی توجه نماییم - که علامه معرفت (ره) نیز در جلد اول التمهید بیان کرده است -، ترتیب نزول آیات و سوره‌ها به صورت زیر خواهد بود:

۱. آیه ۸۸ سوره اِسْرَاء؛ پنجاهمین سوره نازل شده در مکه و در آن تحدی به کل قرآن شده است. در «التفسیر الاثری الجامع» آخرین آیه تحدی عنوان شده است.
۲. آیه ۳۸ سوره یونس؛ پنجاه و یکمین سوره نازل شده در مکه و در آن تحدی به یک سوره شده است، در حالی که در این کتاب به عنوان آیه سوم آمده است.
۳. آیه ۱۳ سوره هود؛ پنجاه و دومین سوره نازل شده در مکه و در آن تحدی به ده سوره شده است. این آیه در مرحله دوم آیات تحدی قرار دارد.
۴. آیه ۳۴ سوره طور؛ هفتاد و ششمین سوره نازل شده در مکه و در آن تحدی به «حدیث مثله» شده و این آیه اولین آیه تحدی ذکر شده است.
۵. آیه ۲۳ سوره بقره؛ هشتاد و هفتمین سوره نازل شده در مدینه و در آن تحدی به یک سوره شده است و در مرحله چهارم آیات تحدی قرار دارد.

### ۵-۶-۲) نقد و بررسی

با نظر به این سیر نزولی، متوجه می‌شویم با آنچه در مراحل تحدی از نظر کمی عنوان شده - در ابتدا تحدی به کل قرآن، پس از آن به ده سوره و در آخر به یک سوره - متفاوت است و این ترتیب صحیح نیست. علامه معرفت (ره) در کتاب «التمهید» و «علوم قرآنی» درباره اختلاف این سیر نزولی مطلبی بیان نموده، اما در «التفسیر الاثری الجامع»، سیر نزولی سوره یونس و هود را بیان نموده و می‌گوید: «سوره یونس که تحدی در آن به یک سوره شده - پنجاه و یکمین سوره از نظر ترتیب - قبل از سوره هود - پنجاه و دومین سوره از نظر ترتیب - که تحدی در آن به ده سوره شده نازل شده است.» (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۹۰)

وی سؤالی مطرح می‌کند که آیا تحدی از اخفّ به اشدّ شده است؟ و در پاسخ می‌گوید: «اعتمادی به این ترتیبی که برای نزول بیان شده نیست که نتوانیم انتقادی بر آن داشته باشیم. شاید در اینجا تقدیم و تأخیری رخ داده یا در شماره سهل انگاری شده باشد. به‌ویژه اینکه اختلاف در بیشتر مواضع ترتیب معروف است. همچنین آیاتی وجود دارند که نازل شدند و بعد از زمانی و با تأخیر، سوره‌ای که آن آیه در آن است نازل شد و یا بر عکس، سوره‌هایی نازل می‌شد و آن‌گاه آیاتی از آنها با تأخیر نازل می‌گردید.» (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۹۱)

وی برای مورد اول آیه صدع در سوره حجر(حجر/۹۴و۹۵) - پنجاه و چهارمین سوره از نظر ترتیب - و آیه انذار در سوره شعراء(شعراء/۲۱۴) - چهل و هفتمین سوره از نظر ترتیب - را بیان می‌کند که این دو آیه در سال‌های آغاز بعثت نازل شده، در حالی که سوره‌های حجر و شعراء در سال ششم و هفتم بعثت و متأخر از آن دو آیه نازل شده‌اند و برای مورد دوم، نزول آیه ۲۸۱ سوره بقره که متأخر از آن سوره نازل شده را مثال می‌زند. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۱۹۱ و ۱۹۲) و در انتها می‌گوید: بنابراین دیگر جایی برای جدال درباره آیات تحدی بر حسب نزول آنها نیست و تحدی به ده سوره قبل از تحدی به یک سوره می‌باشد.» (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۹۳)

با این توجیه، شخص گوینده باید برای پذیرش تحدی از اشدّ به اخفّ، معتقد به امکان ترتیب نزول ناپیوسته آیات یک سوره باشد که علامه معرفت(ره) در کتاب «التمهید» برخی از آیات را استثنا آورده که در ترتیب نزول سوره‌هایشان قرار نگرفته‌اند. (رجایی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۸)

### نتیجه‌گیری

۱. علامه معرفت(ره) در مقدمه تفسیر اثری جامع بصورت مبسوط، و در متن آن بصورت مختصر، برخی از علوم قرآنی را عرضه و آنها را مورد بحث و بررسی قرار داده است.
۲. علامه معرفت(ره) در التفسیر الاثری الجامع، منکر وجود نسخ در قرآن شده و با ارائه دلایل و مستندات، آن را مردود و بی‌فایده دانسته است.
۳. علامه معرفت(ره) در خصوص اسباب نزول معتقد است، آیه‌ای که در مناسبتی خاص و برای حل مشکلی خاص نازل گردد، با آن حادثه ارتباطی تنگاتنگ دارد، به‌گونه‌ای که اگر شناخت آن مناسبت میسر نگردد، فهم هدف اساسی آیه نیز ممکن نخواهد بود. همچنین معتقد است که علم قطعی ناقل به سبب نزول کافی است و حضور او در حادثه شرط نمی‌باشد و صرفاً وثاقت و درستی و مورد اعتماد بودن او مورد نظر است.
۴. نظر علامه معرفت(ره) در موضوع حروف مقطعه، پس از نقل مباحث و آرای گوناگون این است که این حروف، اسراری میان خداوند و پیامبر هستند و همچنین یکی از موارد معجزه‌آسای قرآن می‌باشند که اسرار بزرگی را دربر دارند.
۵. علامه معرفت(ره) در تشخیص سوره‌های مکی و مدنی به سه معیار زمانی، مکانی و خطابی اشاره می‌کند اما آنها را جامع و مانع ندانسته و باید از نقل‌های صحیح که در آن زمینه رسیده نیز بهره برد.
۶. در موضوع قرائات، توجه علامه معرفت(ره) به قرائات سلف (پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام و صحابه و تابعان) می‌باشد.
۷. از جمله مطالب جدیدی که علامه معرفت(ره) در بحث اعجاز به آن اشاره می‌کند، بحث تحدی قرآن است؛ همچنین ایشان این مراحل [تحدی قرآن] را از اشدّ به اخفّ می‌داند.

## منابع

## \* قرآن کریم.

۱. الخویی، سیدابوالقاسم، بی تا، البیان فی علوم القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۲. الزرکشی، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ دوم.
۳. الزرقانی، محمد عبدالعظیم، ۱۴۱۷ق، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، المكتبة العصریه.
۴. العیاشی، محمد بن مسعود، ۱۴۱۱ق، تفسیر العیاشی، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۵. ایازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۸۶، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. رامیار، محمود، ۱۳۷۹، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۷. رجایی، طاهره، ۱۳۸۸، روش آیت الله معرفت در تفسیر الاثری الجامع، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۹ و ۶۰.
۸. معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۷، التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ اول.
۹. معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۵الف، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ دوم.
۱۰. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۵ق، التمهید فی علوم القرآن، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۱. معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۸، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ دوم.
۱۲. معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۵ب، ویژه نامه آفتاب معرفت (ویژه نامه چهلمین روز ارتحال فقیه فرزانه، استاد علوم قرآنی، مفسر بزرگ آیت الله علامه حاج شیخ میرزا محمد هادی معرفت)، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.
۱۳. معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۵ج، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ سوم.
۱۴. معرفت، محمدهادی، ۱۳۹۰، آموزش علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ سیزدهم.
۱۵. معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۳، نسخ در قرآن در تازه ترین دیدگاه ها، فصلنامه بینات، شماره ۴۴.
۱۶. مهدوی راد، محمدعلی، ۱۳۸۹، سیر نگارش‌های علوم قرآنی، تهران، هستی نما، چاپ دوم.